

طرح جبهه همبستگی ملی، ابهامات و تردیدها ؟

جبهه همبستگی از مقولاتی است که طی سالهای گذشته به کرات از جانب نیروهای مستقل سیاسی، سازمانها و گروههای متشکل اپوزیسیون بر ضرورت آن تاکید و حول و حوش آن بحث و مجادلاتی نیز انجام گرفته است، تا حدی که این پدیده به به عنوان ضرورتی عاجل در مقابل بارژیم آدمخوار و سنگ انداز حاکم شناخته شده و در گوشه و کنار این طیف گسترده و در میان نیروهایی که در همسایگی سیاسی یکدیگر قرار داشتند، تلاشهایی نیز صورت پذیرفت که غالباً محدود ماندند و یا ناموفق بودند. ناگفته و یا گفته مرزهایی نیز برای آن میشد در نظر گرفت، که از سویی سلطنت طلبان و از سویی دیگر همکاران و یاران غار رژیم در کلیت آن بودند. تشکیل و ایجاد چنین جبهه‌ای در مفهوم سیاسی و تمام آن، بدون سازمان مجاهدین و به عبارتی شورای مقاومت، به همان اندازه خالی از محتوی بنظر می‌آید که عدم حضور گسترده نیروهای چپ و یا جای خالی نیروهای مستقل سیاسی، هنرمندان و نویسندگان مردمی و کانونهای دمکراتیک متشکل فرهنگی سیاسی، ابتکارشورا و س.م.خا در طرح این جبهه همانطور که باعث سرور و شادی برخی از نیروهای اپوزیسیون شده است، تردیدهایی را نیز بر جای گذاشته که ریشه در چگونگی و نوع ارتباط س.م.خا و شورابان نیروهای دیگر در چارچوب اپوزیسیون در گذشته دارد و تکروریهایی که بدون توجه به حضور عینی نیروهای انقلابی و وسیع دیگر در صف مبارزه بارژیم حاکم انجام پذیرفته است و اکنون پس از دوده شاهد آنیم که این مجموعه مبتکر جبهه همبستگی شده و بدون زمینه‌ها و گفتگوهای علنی و دمکراتیک در مورد مواد آن همه را آچمز مینماید که خود از موارد بی‌اعتنایی به افکار عمومی در محدوده اپوزیسیون میباشد. از جانب دیگر آقای سامع در مصاحبه‌اش با آقای ناظر که بطور اتفاقی سوالات محدودی مطرح شده است، میگوید: ما از موضع قدرت طراحی جبهه شده ایم و هیچ نیرویی سیاسی از موضع ضعف وارد اتحاد عمل نمیشود! اینگونه عمومیت بخشیدن به مقولاتی مانند اتحاد عمل که عمدتاً در جنبش‌های انقلابی برای برهم زدن توازن قوا و حتی برای افزایش عیار مقاومت نیروهای انقلابی در مقابل سرکوب‌های افسارگسیخته صورت می‌گیرد در امتداد یک کلی‌گویی ناپخته تعبیر نمود که در پس آن توجیح اجبار در پذیرش وجود نیروهای دیگر در صفوف مبارزه سیاسی اصولی علیه رژیم پنهان گشته است که بحث حول و حوش وضعیت فعلی س.م.خا و شورای مقاومت را در خارج از کشور و بخصوص در اروپا، و همچنین در منطقه را به بعد موکول میکنم تا

به مقوله جبهه بیشتر پرداخته شود. بی تردید حضور در چارچوب اتحاد عمل با حفظ صفوف تشکیلاتی و متعلقات آن امری است مشروع و باید نیز چنین باشد و خط فاصلی با انحلال طلبی و رویارزگی شتاب زده می باشد. تردیدها آنجایی شکوفه میکنند که این سازمان و شورای مقاومت بطور کلی، بی توجه به حضور عینی اما پراکنده نیروهای چپ و دمکرات در صحنه مبارزه سیاسی اصولی علیه رژیم، بیش از دوده به تکروری پرداخت و اکنون به قول آقای سامع از موضع قدرت !! طراح جبهه همبستگی میشود، بدون آنکه به پرسشهای کلیدی و مطروحه در این طیف پاسخی دهد.

آیا با طرح و تاکید بر جدایی دین از دولت در مفهوم حکومت، جمهوری دمکراتیک اسلامی منتفی است ؟

آیا این جبهه باید در خدمت مشی مسلحانه هم تاکتیک و هم استراتژی قرار گیرد؟ آیا رهبر، دولت موقت، و رئیس جمهور انتخاباتی شوراموضوعیت خود را برای شورا از دست خواهند داد، چنانچه جبهه در شرایط مقتضی و در مجموعه خود تصمیم بر تعیین دو فوریتی آن بگیرد؟ آیا س.م.خ و شورا سیاست تکرر وانه و سکتاریستی خویش را در گذشته با طرح جبهه به نقد نشسته اند؟ همانند بسیاری از جریانات سیاسی موجود که این نقد را نیز بطور علنی و با افکار عمومی در میان گذاشتند. بی تردید این سازمان و شورای مقاومت پیش از طرح جبهه آگاهی داشته اند که همراه این طرح انتقادات و سوالات بسیاری نیز مطرح خواهند شد و پاسخ و گفتگوی دمکراتیک حول این ابهامات میتواند پایانی بر ابهامات و تردیدهای موجود رقم زند و به گسترش دمکراتیک جبهه همبستگی یاری رساند. اما این طرح به هر دلیلی که ارائه شده باشد گامی است مثبت که میتواند در جهت افزایش ظرفیت های دمکراتیک جنبش انقلابی قرار گیرد و صحنه دیالوگ مستقیم میان این نیروها و باب بحث و گفتگوی دمکراتیک را بگشاید و بایستی این ابتکار را به فال نیک گرفت و علیرغم نقاط کور آن؛ مباحثات و گفتگوهای اولیه میتواند راهگشا و مفید واقع شود و به اعتلاء و رشد مبارزات ضد استبدادی منجر گردد، همچنانکه تضمینی برای ادامه کاری دمکراتیک جبهه خواهد بود.

پیروز باد مبارزه بر حق مردم ایران برای نیل به آزادی و دمکراسی

روزبه وین